زبان شیرین شعر

هم‌زیستی کمال‌گرایانه شاعر و طبیعت

لیلا کردبچه

شاعر و پژوهشگر

اسم‌صوت‌ها واژه‌هایی هستند منعکس‌کننده صدای واقعی و طبیعی انسان و حیوان یا صداهایی که از اشیا برمی‌خیزد؛ یعنی درواقع اسم‌صوت‌ها کلماتی هستند که به‌تقلید از صداهای طبیعی به‌دست آمده‌اند. اسم‌صوت‌ها خوشه‌های موسیقایی‌ای هستند که بیشتر به‌صورت مکرر استفاده می‌شوند و اساسا ارزش موسیقایی آنها در مکرر بودن آنهاست؛ چراکه اغلب با تکرار کامل یک صوت شکل می‌گیرند و در ارتقای موسیقی متن نقش ایفا می‌کنند. اسم‌صوت‌های حاصل از تکرار کامل یک صوت که تقلید بی‌کم‌وکاست یک صدای طبیعی هستند یا اندک تغییری را پذیرفته‌اند، در ادبیات قدیم بسیار دیده می‌شوند، مثلا آنجاکه خیام می‌گوید: «آن قصر که بر چرخ همی‌زد پهلو/ بر درگه او شهان نهادندی رو/ دیدم که بر کنگره‌اش فاخته‌ای/ بنشسته همی‌گفت که کوکوکوکو» و نیز نمونه‌های بی‌شماری که در شعر خداوندگار موسیقی شعر، مولانا داریم.

اما جالب است بدانیم که شاعران معاصر دیگر به تقلید یا تکرار بی‌کم‌وکاست یک صدای طبیعی بسنده نکرده و تا آنجاکه امکانات زبانی در اختیار داشته‌اند، در سازوکار آواها و صوت‌ها دستکاری و دخل‌وتصرف کرده‌اند؛ البته در این میان لازم است یادآور شویم که این دستکاری‌ها، همواره در پیکره زبان فارسی در هر دوره‌ای وجود داشته اما در این مجال مختصر، سخن برسر شیرین‌کاری‌های زبان شعر است، به‌ویژه در دوره معاصر. شاعران معاصر از تکرار صداهای طبیعی و واقعی حیوانات بسیار در شعر خود استفاده کرده‌اند؛ مثلا آنجاکه نیما یوشیج می‌گوید: «قوقولی‌قو، خروس می‌خواند...»، «دودوک دوکا! آقاتوکا! چه کارت بود با من؟...» و مهدی اخوان‌ثالث می‌گوید: «بده.. بدبد.. چه امیدی؟ چه ایمانی؟/ کَزَک جان خوب می‌خوانی» و... همین‌طور از تقلید صداهای طبیعی اشیا بسیار بهره برده‌اند؛ مثلا آنجاکه شمس لنگرودی می‌گوید: «کوب‌کوب، کوب‌کوب.../ به‌خاطر چند دانه کرم/ فرصت نداد مژه‌ای بخوابیم».

اما داستان اسم‌صوت‌ها در شعر معاصر به همین‌جا ختم نمی‌شود و بررسی‌ها نشان می‌دهد که شاعران معاصر به‌مثابه کاربرانِ زبانی فعال و کمال‌گرا تا آنجاکه توانسته‌اند با دستکاری در طبیعتِ اصوات به این خوشه‌های موسیقایی طبیعی تنوع بخشیده‌اند: چه آنجاکه میان دو بار تکرار یک صوت طبیعی، «و» آورده و «خش‌وخش» و «چوک‌وچوک» را وارد شعر خود کرده‌اند: «چوک‌وچوک! گم کرده راهش را در شب تاریک/ شب‌پره ساحل نزدیک/ دم‌به‌دم می‌کوبدم بر پشت شیشه» و «فردا/ حجم سفید لیز/ با خش‌وخش چادر مادربزرگ آغاز می‌شد». (هردو از فرخزاد)

چه آنجاکه پس از دوبار تکرارِ یک صوت طبیعی، حرف «و» آورده و مثلا «بغبغو» را وارد شعر خود کرده‌اند: «آن برج‌های کهنه که ماندند/ بی‌بغبغوی گرم کبوترها/ پرهای سرد و ریخته را دیری‌ست/ با بادهای تنها، بیدار می‌کنند». (رؤیایی) چه آنجاکه با افزودن «هاءاسمی» به انتهای یک صوت طبیعی، «جغجغه» و «پچپچه» و «همهمه» و «قهقهه» را وارد شعر خود کرده‌اند: «لالایی تمدن و فرهنگ/ و جق و جق جغجغه قانون...(فرخزاد). چه آنجاکه با کاربرد الف میانوند میان دو بار تکرار یک صوت طبیعی، مثلا «هایاهای» و «چکاچاک» را وارد شعر خود کرده‌اند: «چنین غمگین و هایاهای/ کدامین سوگ می‌گریانَدَت ای ابر شبگیران اسفندی، «با چکاچاک مهیب تیغ‌هامان تیز/ غرش زهره‌دران کوس‌هامان سهم (هردو از اخوان‌ثالث). که البته این نوع کاربرد در شعر قدیم فارسی نیز بسیار سابقه دارد. و چه آنجاکه با افزودن «کاف اسم‌ساز» به جزء دوم یک اسم‌صوتِ دو جزئی، مثلا «جیرجیرک» را وارد شعر خود کرده‌اند: «...تصور کن!/ حالا نویسنده‌ای جوان نشسته و بدون توجه به دل کوچک جیرجیرک‌ها با مرکب سرخ/ داستان رنگ‌ها و خوشه‌ها را بازنویسی می‌کند. (حسین پناهی)

داستان اسم‌صوت‌ها در زبان شعر، داستانی است به قدمتِ هم‌زیستی انسان و طبیعت، که هربار به‌شکلی، سهمی در تکمیل موسیقی شعر فارسی داشته است.

آخرین روزهای قرن منتشر شد

«آخرین روزهای قرن» مجموعه‌ای از سروده‌های سیدعلیرضا ذوالفقاری است که نشر ایهام آن را منتشر کرده است. ذوالفقاری ۳۹ ساله در این مجموعه، شعرهای خود را که در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ سروده، گردآوردی کرده است.

به گزارش جام‌جم او از شاعرانی است که در سرودن، به قالب‌های کلاسیک وفادار مانده است. غزل و چهارپاره قالب‌های مورد علاقه او هستند و البته او مدام در حال تلاش برای کشف نوآوری‌های تازه است. ازجمله این‌که او سعی‌کرده در بسیاری از غزل‌هایش از قافیه‌های جدید استفاده کند، در مواردی تعریف‌های آشنا از قالب‌ها را شکسته و در برخی شعرهایش سعی‌کرده با استفاده از واژگان بیگانه و رایج در زبان روزمره، فضای جدیدی به شعرهایش بدهد. نشر ایهام این مجموعه را در ۶۶ صفحه و با قیمت ۳۰ هزار تومان منتشر کرده است.

مسؤولان انتشارات به‌نشر، درصدد اتخاذ راهکارهایی برای ارتقای سطح کتاب‌های مذهبی ادبی هستند

عکس: مسعود نوذری

گفت‌وگو با سیداحمد میرزاده، شاعر و پژوهشگر

درباره انگیزه‌های تأسیس دفتر مطالعات ادبیات دینی کودک و نوجوان

ادبیات دینی دچار تکرار شده‌است

صبا کریمی

جام‌جم

اواسط دی‌ماه امسال بود که نخستین شماره «گاهنامه ادبیات دینی کودک و نوجوان» رونمایی شد. نشریه‌ای که بر نقد و نظر پیرامون مجموعه مسائل ادبیات دینی مرتبط با مخاطب کودک و نوجوان متمرکز است و به طرح دیدگاه‌های صاحب‌نظران این عرصه می‌پردازد. ادبیات دینی، فرشتگان و شیطان در متون دینی و دستمایه‌های داستانی آن، تجربه ادبیات دینی کودکان در غرب، بهره‌ها و مخاطره‌ها و تجربه‌های نوشتن داستان دینی برای کودکان و نوجوانان از جمله سرفصل‌های منتشرشده در نخستین شماره گاهنامه ادبیات دینی کودک و نوجوان است و نویسندگان، تصویرگران، ناشران، والدین، معلمان و مربیان مخاطبان این گاهنامه هستند. این نشریه به مدیرمسؤولی حسین سعیدی و سردبیری سیداحمد میرزاده و با مطالبی از استادان ادبیات حوزه کودک و نوجوان در ۱۸۰ صفحه منتشر شده‌است.

حالا انتشار این گاهنامه انگیزه‌ای برای ایجاد دفتر «مطالعات ادبیات دینی کودک و نوجوان» ایجاد کرده و کلیات تاسیس این دفتر در سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی به تایید رسیده‌است و سال آینده فعالیت خود را به‌صورت رسمی آغاز خواهد کرد. این دفتر قرار است به‌عنوان پایگاهی مرجع، میزبان کسانی باشد که دغدغه انتقال آموزه‌ها و مفاهیم دینی را به کودکان و نوجوانان در اصولی‌ترین شکل ممکن آن دارند.

با سیداحمد میرزاده، شاعر و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان و معاون تولید انتشارات به‌نشر و سردبیر این نشریه درباره وضعیت ادبیات دینی کودک و نوجوان به گفت‌وگو پرداختیم. او در این گفت‌وگو به ضعف‌های جدی ساختاری در این حوزه اشاره کرده که دهه‌های متمادی وضعیت داستان‌نویسی و شعر دینی کودک و نوجوان را با آسیب‌های بسیاری روبه‌رو کرده و امیدوار است راه‌اندازی این دفتر و انتشار مستمر گاهنامه مسیر نویسندگان این حوزه را روشن کند و به تولیدات قابل دفاع و شایسته‌ای برای کودکان و نوجوانان این مرز و بوم منجر شود.

پیش از این‌که درباره گاهنامه ادبیات دینی کودک و نوجوان صحبت کنیم، از دلایلی بگویید که انگیزه انتشار و تولید چنین گاهنامه‌ای را ایجاد کرد.

همان‌طور که می‌دانید بخش بزرگی از تولیداتی که در عرصه ادبیات کودک و نوجوان در کشور وجود دارد مربوط به ادبیات دینی است. طبیعتا مواردی همچون احکام اسلامی، آشنایی با سنت و سیره پیشوایان دینی، زندگی پیامبران، اخلاق اسلامی و... مورد توجه جامعه دینی است و نویسندگان هم روی آنها کار کرده‌اند. البته سیری که در این ۴۰ ساله پشت‌سر گذاشتیم فرازوفرودهای بسیاری داشته است. تقریبا تا دهه ۸۰ به ندرت ادبیات خلاقی وجود داشت و اغلب مضامین تکراری بود، در حوزه شعر بسیاری از اشعار حالت شعار پیدا می‌کرد و در داستان هم به بازنویسی ساده برخی حکایات و روایت‌هایی که در متون دینی وجود دارد بسنده می‌شد.

به‌عنوان مثال آماری که تا سال ۸۴ و حتی تا پایان دهه ۸۰ درباره تولیدات مرتبط با حضرت رضا(ع) داریم عمدتا تکرار داستان ضامن آهو، شفا و زیارت است و بُعد معرفتی از امام(ع) در هیچ‌یک از آنها دیده نمی‌شود، این در حالی است که درباره برخی از ائمه(ع) اصلا کاری انجام نشده‌است. البته در دهه ۹۰ این وضعیت تا حدودی تغییرکرد و ادبیات دینی کودک و نوجوان جدی‌تر گرفته شد اما همچنان چالش‌های زیادی در این عرصه وجود داشت.

> آماری که تا سال ۸۴ و حتی تا پایان دهه ۸۰ درباره تولیدات مرتبط با حضرت رضا(ع) داریم عمدتا تکرار داستان ضامن آهو، شفا و زیارت است و بُعد معرفتی از امام(ع) در هیچ‌یک از آنها دیده نمی‌شود این در حالی است که درباره برخی از ائمه(ع) اصلا کاری انجام نشده‌است

به محتوای آثار انتقاداتی وارد کردید اما در این بین نویسندگان به‌عنوان تولیدکنندگان محتوای دینی با چه مشکلات و چالش‌هایی مواجه هستند؟

طبیعتا نویسندگان هم در این عرصه با مسائل بسیاری روبه‌رو هستند از جمله این‌که چه سطحی از معارف را می‌توان در هر گروه سنی ارائه کرد، قبل و بعد از سن تکلیف چه مسائلی قابل طرح است و چطور باید بیان شوند. چه سطحی از ایمان را باید در هر رده سنی عنوان کرد و اساسا چقدر می‌شود به معصومین نزدیک شد و آنها را به‌عنوان شخصیت داستانی قرار داد و این صمیمیت چقدر باید باشد که آن ادب شرعی رعایت شود. دیدگاه‌ها در این زمینه بسیار پراکنده است؛ آن سر طیف کسانی را داریم که می‌گویند وقتی در عرصه ادبیات دست به تولید می‌زنید با خیال راحت تخیل کنید و حتی می‌توانید مواردی را هم به معصومین نسبت دهید چون در حال خلق ادبیات هستید اما از طرف دیگر کسانی را هم داریم که با جدیت می‌گویند در ادبیات باید دقیقا چیزی را به معصوم نسبت بدهیم که مطابق بر گفتار و رفتار ایشان باشد. این پراکندگی دیدگاه‌ها نوعی استرس و اضطراب را در نویسندگان به وجود می‌آورد. ضمن این‌که تصویرگری نیز یکی دیگر از چالش‌های جدی این حوزه است.

ما سال‌هاست در انتشارات آستان قدس رضوی فعالیت‌های دینی انجام می‌دهیم و متوجه هستیم نویسندگان وقتی می‌خواهند اثر دینی تولید کنند به‌رغم نشاطی که زمان نگارش اثر مذهبی دارند اما با اضطراب و استرس هم مواجه هستند و ممکن است به‌دلیل دیدگاه‌هایشان به تفکر التقاطی متهم شوند. اینها مسائل پشت‌پرده کسانی است که در این حوزه کار می‌کنند و در این بین سؤالاتی وجود دارد که تاکنون به آنها پاسخی داده نشده‌است. ما در خلال پروژه‌های تولیدی گاهی به این مسائل می‌پرداختیم و جلساتی با حضور کارشناسان مذهبی داشتیم و مجموعه اینها منجر به تولید محتواهایی شد که به نظرمان رسید بهتر است عرضه و منتشر شود.

پس می‌توان گفت یکی از ضرورت‌های تولید گاهنامه و انتشار یک نشریه تخصصی دینی در حوزه کودک و نوجوان پاسخ به چنین مواردی است؟

بله. هدف از این گاهنامه این بود که در ابتدا بستری فراهم کند که برخی سؤالات و مباحث در آن مطرح شود و صاحب‌نظران دیدگاه‌هایشان را به اشتراک بگذارند و نیز نویسندگانی که موفق شده‌اند از این تنگناها عبور کنند، آثار قابل‌قبولی بیافرینند و بتوانند تجربیات‌شان را با سایر نویسندگان در میان بگذارند. به همین دلایل بود که وجود چنین دفتری برای تولید، پژوهش و تبادل‌نظر و نقد آثار یک ضرورت است.

سالانه تعداد زیادی کتاب منتشر می‌شود که همه آنها از چارچوب‌های استانداردی برخوردار نیستند و ایراداتی دارند، از طرفی کتاب‌های ضعیف هم در بازار بسیار است و متاسفانه کتاب‌های خوبی که با سختی بسیار تولید می‌شوند ممکن است در حجم انبوه این آثار دیده نشوند. خانواده‌ها دنبال این هستند که کتاب خوب را بشناسند و همچنین فضایی لازم است که در آن نقد و بررسی صورت گیرد تا هم به مربیان، والدین و نویسندگان کمک کند و هم موجب رشد و ارتقای سطح ادبیات کودک و نوجوان شود؛ چنین بستری هم وجود نداشت و جای خالی مجله‌ای که به این مباحث تئوریک بپردازد مدت‌ها احساس می‌شد. مجموع این موارد باعث شد به فکر تدوین این گاهنامه افتادیم که اولین شماره آن هم منتشر شده‌است.

مواردی که به آنها اشاره کردید جامع است و همه موضوعاتی که در حوزه ادبیات دینی کودک و نوجوان وجود دارد را دربرمی‌گیرد اما به نظر شما این دفتر همان‌قدر که به این مسائل جامع می‌پردازد آیا می‌تواند به‌عنوان مرجعی برای نویسندگان و حتی والدین باشد و آیا می‌توانیم در آینده این دفتر را به‌عنوان مرجعی در حوزه ادبیات دینی بدانیم؟

امیدوارم که این اتفاق رخ بدهد. ورود به این عرصه، بیشتر از جهت نیاز به آن بود. انتشار این گاهنامه بخشی از فعالیت‌هایی است که دفتر مطالعات ادبیات کودک و نوجوان باید داشته باشد. مراکز متعددی هم در این عرصه کار می‌کنند اما اینجا همان جایی است که افراد تبادل‌نظر می‌کنند و قرار است به تمام سؤالات نویسندگان در این موضوع خاص فکر شود و به آن پاسخ بدهد و البته در بخش‌هایی که خلأ محتوایی و علمی وجود دارد پژوهش صورت بگیرد.

تشکیل شبکه‌های نویسندگان ادبیات دینی، تصویرگران، ناشران و... نیز در برنامه‌های این دفتر دیده شده که این افراد تجربیات‌شان را با هم در میان بگذارند و از موازی‌کاری‌ها جلوگیری شود. مهم‌تر از همه قرار است این دفتر فضایی برای شناسایی آثار خوب و تشویق نویسندگان فراهم کند.

ما در این طرح بخشی را به‌عنوان «نشان کتاب رضوی» در نظر گرفته‌ایم که به بهترین کتاب‌های حوزه ادبیات دینی کودک و نوجوان تعلق می‌گیرد. مانند نشان «لاک پشت پرنده» که به‌طور عام به بهترین کتاب‌های کودک و نوجوان اختصاص می‌یابد، در حوزه دینی هم آثار خوب و قابل اتکایی وجود دارد که این نشان به آنها تعلق می‌گیرد و خانواده‌ها به کتاب‌هایی که این نشان را داشته باشند اعتماد می‌کنند. به نظر می‌رسد مرکزی مانند آستان قدس رضوی که وابسته به دستگاه مقدس حضرت رضا(ع) است به‌عنوان مرجع دینی و مورد اعتماد مردم، می‌تواند این کار را انجام دهد و این دفتر هم با چنین انگیزه‌هایی ایجاد شده‌است.

شاید یکی از مسائلی که طی این سال‌ها در حوزه ادبیات به‌ویژه ژانر دینی کمتر مورد توجه بوده بحث آموزش نویسندگان و آشنایی با منابع ارزشمندی است که کمتر سراغی از آن می‌گیرند. برای این مساله هم تمهیداتی اندیشیده‌اید؟

یکی از ضعف‌های جدی خلأ آموزش در این موارد است. بحث‌های جدی در زمینه آموزش وجود دارد که تربیت نویسندگان لزوم تهیه منابع آموزشی برای نویسندگان آثار دینی از جمله فعالیت‌هایی است که باید انجام شود و نکته مهم‌تر این‌که اگر این دفتر در ماموریت خودش موفق شود بحث سامانه توزیع و پخش هم مساله مهمی برای ما خواهد بود و آثار خوبی که منتشرشده را علاوه بر معرفی، با ساماندهی قابل‌قبولی در چرخه توزیع و پخش در کشور قرار خواهیم داد.

همان‌طور که شما هم اشاره کردید یکی از مشکلات اساسی در حوزه کتاب کودک تصویرگری و محتوای سطحی است. در حالی که کانون پرورش سال‌هاست با رصد و نظارت دقیق سعی در تولید، انتشار و گزینش آثار کیفی دارد. با توجه به گفته‌های شما دفتر مطالعات ادبیات دینی هم چنین هدفی را دنبال می‌کند. به نظر شما وسیع‌تر شدن این دایره و تعامل با نهادهای مرتبط چقدر می‌تواند به پالایش بازار و کوچک‌تر شدن دایره انتشار کتاب‌هایی که عموما کیفیت بالایی ندارند منجر شود؟

مساله مهم همین است که شما به آن اشاره کردید. شناخت کتاب خوب علم است و نمی‌توان توقع داشت خانواده‌ها آن را بدانند. والدین معمولا به فهرست‌ها و اسامی ناشران اعتماد می‌کنند. البته ناشران خوب هم کتاب بد منتشر نمی‌کنند. ما مسائل دیگری هم در این حوزه داریم که ویژه ادبیات دینی است. این‌که در میان مجموعه مباحث مرتبط با دین چه مواردی از اولویت بیشتری برخوردار است و نیازسنجی مخاطب و هماهنگی آن با اجازه شرع مقدس است که چه خلاقیت‌هایی را می‌توان به کار گرفت و چه کمک‌هایی را به نویسندگان ارائه کرد. از این جهت نویسندگان شاید بی‌پشت و پناه باشند چراکه یک نویسنده خودش باید بنویسد، خودش تحقیق و پژوهش کند اما در عین حال جایی برای هم‌اندیشی و مشاوره ندارد تا خلأهای محتوایی و موضوعی را ارائه بدهد.

ما در دهه ۸۰ یک آسیب‌شناسی درباره کتب دینی کودک و نوجوان انجام دادیم و با پدیده‌های عجیبی روبه‌رو شدیم و آن تکرار خیلی زیاد بود؛ تکراری که مشخص بود نویسنده محترم سراغ کار جدیدی نرفته و تنها منبعی که برای نگارش مجموعه داستانش انتخاب کرده، کتابی بوده که فرد دیگری نوشته و حالا این نویسنده حجم آن را متناسب با نیاز مخاطبش کم و زیاد کرده‌است.

دفتر مطالعات ادبیات دینی کودک و نوجوان به نویسندگان کمک می‌کند آثار خلاقانه‌تری بنویسند که در چارچوب‌های مورد نظر جامعه و مورد تأیید علما باشد و طبیعتا خانواده‌ها هم از وجود چنین آثاری مطلع و از طرفی نویسندگان خوب هم بیشتر شناخته می‌شوند و ناشران هم سراغ‌شان می‌روند و در نهایت بازار کتاب‌های دینی کودک و نوجوان پالایش بهتری پیدا می‌کند و کتاب‌های قابل اطمینان‌تری به‌وجود می‌آید و اگر به سهم خودش ادبیات دینی کودک و نوجوان را یک گام جلو ببرد اتفاق خوبی است. متاسفانه به نظر می‌رسد به‌رغم این‌که ما یک کشور مذهبی هستیم اما در برخی تجربیات در این زمینه از کشورهای غربی هم عقب‌تریم و به اقداماتی نیاز داریم که این فضا را رشد و ارتقا دهیم.

آموزش و پرورش، کانون پرورش و حوزه هنری از نهادهای مرتبط با فعالیت این دفتر هستند، برای ارتباط و تعامل با این نهادها و سازمان‌ها برنامه‌ای دارید؟

بله. اتفاقا یک بخشی که در طرح دفتر ادبیات دینی پیش‌بینی شده ارتباط، هم‌اندیشی و به اشتراک گذاشتن تجربیات و ظرفیت‌ها با این مجموعه‌ها اعم از ناشران و نهادهایی است که به‌طور خاص در حوزه ادبیات دینی کودک و نوجوان فعالیت می‌کنند. هم‌افزایی ظرفیت‌هایی که در این حوزه وجود دارد یک مساله و نیاز جدی است.

امسال اولین دوره جشنواره کتاب دینی ادبیات کودک و نوجوان برگزار شد، از سویی دیگر انتخاب کتاب‌های فصل، سال و برگزیده‌های کانون پرورش در راستای معرفی آثار قابل‌قبول انجام می‌شود. آیا شما هم در این دفتر چنین اتفاقاتی را رقم خواهید زد؟

پیش‌بینی چنین برنامه‌ای را کرده‌ایم و از فعالیت‌های مصوب ما بحث اهدای نشان ویژه است که به کتاب‌هایی تعلق خواهد گرفت که به‌طور مستمر در طول یک سال در کارگروه‌های تخصصی مطالعه و بررسی می‌شوند و این نشان ویژه به بهترین‌های ناشران اختصاص می‌یابد. در ادامه مجموعه کتاب‌هایی که نشان ویژه دریافت کرده‌اند در یک جشنواره ملی جایزه می‌گیرند. ما به‌دنبال به‌کارگیری ظرفیت‌هایی هستیم که در حوزه ادبیات دینی در کشور وجود دارد و می‌خواهیم هماهنگ باشیم و به یک نگاه مشترک برسیم که در چارچوب شریعت اسلام فضایی آزاد و با فراغ بال را برای نویسندگان فراهم کنیم.

دفتر مطالعات ادبیات دینی کودک و نوجوان از چه زمانی فعالیتش را به طور رسمی آغاز خواهد کرد؟

در حال حاضر کلیات، مجموعه فعالیت‌ها و بودجه دفتر تایید شده‌است و در اولین فرصت بخش‌های دیگر نیز معرفی خواهند شد. برای تحقق این امر بسترهایی نیاز است که باید گام به گام فراهم شود. بخش قابل‌توجهی از بستر عملیاتی کار فراهم شده و امیدواریم ان‌شاءا... ابتدای سال آینده این اتفاق رخ دهد.